

سفر به گذشته محله سیدرضی، همراه با خاطرات زهرا زارعی، یکی از ساکنان قدیمی

وقتی صف نفت، همسایه‌ها را به هم پیوند می‌داد



ایستگاه اول



این ساختمان قدیمی و نماآجری در جلال‌آل احمد ۵۰، اوایل دهه ۶۰ شعبه نفت محله ما بود. یک تانکر بزرگ آهنی در حیاط خانه بود که هر از گاه با ماشین می‌آمدند پرمی‌کردند. بعضی روزهای سرد، صف تا حدود سی متر کشیده می‌شد. خلوت تر هم که می‌شد، خود مرحوم آقارضا، مالک شعبه نفت، گالن‌های نفت را برای هم محله‌ای‌ها می‌برد.

فاطمه سیرجانی | محله برای خیلی از ما فقط چند کوچه و خیابان نیست؛ دفتر خاطرات زندگی مان است. برای آن‌هایی که سال‌هاست در محله سیدرضی زندگی کرده‌اند، حرف زدن از گذشته، یعنی دوباره ورق زدن روز‌هایی که دیگر نیستند. وقتی پای صحبت‌های زهرا زارعی، یکی از ساکنان قدیمی، می‌نشینیم، انگار زمان برای چند لحظه برمی‌گردد به عقب. او از گذشته محله‌ای می‌گوید که امروز خیلی تغییر کرده است. قدم زدن همراه با او در محله سیدرضی، به ما صف‌های طولانی دهه ۶۰ و ۷۰ و صمیمیت اهالی برای پیشرفت محله را به خوبی یادآوری می‌کند.

ایستگاه دوم

همسر، شهید محمدتوحیدی، سال ۱۳۶۷ در جبهه مجروح شد و بعد دود ده به واسطه آثار ناشی از آن جراحت به شهادت رسید. او برای آبادانی محله خیلی زحمت کشید؛ از دوندگی برای ساخت جوی و جدول تا کاشت درختان محله و نصب تیرهای چراغ برق. روزی هم که شهید شد، کوچه جلال‌آل احمد ۴۸ سیاه پوش شد.

ایستگاه سوم

ایستگاه چهارم

مسجد امام رضا (ع) | خیابان سیدرضی را چهار سال قبل ساختند. وقتی تصمیم به ساخت گرفته شد، گوسفندی نذر ساخت مسجد کردم. کربلا بودم که خبر دادند ساخت مسجد شروع شده است. از همان جاسفارش کردم پول یک گوسفند را به متولیان مسجد بدهند.



ایستگاه پنجم



خانواده حاج خانم هما جاویدی سال‌ها جلوتر از ما به این محله آمده‌اند. در این سال‌ها همیشه رفیق و همراه بوده ایم. الان هم با اینکه خانه‌اش آپارتمانی است، میزبان مجالس مناسبتی بسیاری است و خانه‌شان برای اهالی محله پراز خاطر است.

ایستگاه ششم



اوایل دهه ۷۰ این درختان توت و شاه‌توت را از اردوگاه سپاه امام رضا (ع) گرفتیم و در خیابان جلال‌آل احمد کاشتیم. او اسط بهار که می‌شد، بساط توت‌خوری همسایه‌ها زیر این درختان پهن بود. بعدتر باغچه‌ها را پر کردیم از سبزی و گوجه و خیار. از آن زمان تا الان درختان مایه سرسبزی محله ما هستند.

جای این ساختمان نما سنگ در خیابان جلال‌آل احمد ۵۰، زمانی تنها حمام عمومی محله قرار داشت. این حمام بزرگ سر‌نیش بود و صبح‌ها زانانه بود و از غروب، مردانه می‌شد. البته اوایل دهه ۷۰ اکثر خانه‌های اینجا نوساز بود و حمام داشت، اما چون هنوز لوله‌کشی نشده و گاز به این محله نیامده بود، حمام محله رونق خوبی داشت.



عکس: فاطمه سیرجانی/شهرآرامش